

پاییز در دانشکده الهیات

در فصل پاییز دو تن از اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی که با مرکز نشر میراث مکتوب همکاری داشتند به دیدار معبود شتافتند. مرکز نشر میراث مکتوب به پاس تجلیل از خدمات علمی این بزرگواران و جهت آگاهی آشنایان علوم و معارف اسلامی، به درج شرح احوال این دو اندیشمند همت گماشت تا یاد خیری از این دو عزیز از دست رفته باشد.

۱. یادی از دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی

دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، حفید میرزای بزرگ شیرازی (ره)، متولد ۱۳۰۷ ش در نجف اشرف است. دوره ابتدائی را در دبستان علوی ایرانیان در نجف اشرف سپری کرد. تحصیلات حوزوی را در عراق آغاز، در سال ۱۳۲۵ ش به تهران عزیمت و تحصیلات را در مدرسه خان مروی و پاره ای حوزه های دیگر تا نیل به مراحل عالییه ادامه داد. در ۱۳۳۰ ش به دانشکده معقول و منقول (=الهیات) پیوست و لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات عرب و دوره های علوم تربیتی و علوم قضایی اخذ کرد. سپس بورسیه دانشگاه قاهره شد و شروع به تحصیل در دوره فوق لیسانس و دکتری در آن دانشگاه به عنوان نخستین دانشجوی اعزامی از دانشگاه تهران نمود. از محضر استادان نامدار دانشگاه قاهره، دکتر طه حسین، دکتر یحیی الخشاب، دکتر شوقی ضیف و دکتر یحیی قلماوی بهره جست. درجه فوق لیسانس و دکتری را از دانشگاه قاهره (به راهنمایی دکتر عبدالحلیم نجار) و دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ ش اخذ کرد. «الاجازة



العالمیه» از «معهد الدراسات الاسلامیه» دریافت نمود و تدریس زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه قاهره و دانشگاه الازهر پی گرفت. سپس به استخدام دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران درآمد و طی مراحل استادیاری، دانشیاری و استادی تا پایه ۲۲ را گذراند. دو سال دوره فوق تخصص زبانهای سامی (آرامی) را در دانشگاه کمبریج انگلستان سپری کرد و تألیف و ترجمه و تصحیح ۲۳ اثر و نگارش حدود ۲۰ مقاله در مجلات معتبر داخلی و خارجی از کارهای علمی او به شمار می رود.



مسئولیت های او

۱. عضو هیأت مؤلفان لغتنامه دهخدا، به مدت ۱۴ سال.
۲. مدیر مسئول و سردبیر مجله مقالات و بررسیها تا سال ۱۳۷۵، به مدت ۲۱ سال.
۳. نماینده پژوهشی دانشکده الهیات در شورای پژوهشی دانشگاه، به مدت ۴ سال.
۴. نماینده دانشکده الهیات در شورای انتشارات دانشگاه تا کنون.
۵. مدیر بخش عربی گروه علوم قرآن و حدیث از سال ۱۳۶۵ ش تا

کنون.

۶. عضو کمیسیون ارزشیابی مدارک خارجی وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۷. عضو شورای تحصیلات تکمیلی و پژوهشی دانشکده الهیات.

آثار او:

۱. ادبیات تطبیقی^۱

ادبیات تطبیقی، محمد غنیمی هلال ۱۹۵۳ م؛ ترجمه سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، ۶۸۹ صفحه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳ ش.

ادبیات هر ملتی در طول تاریخ خود از طرق گوناگون به جهان خارج راه می‌یابد و با ادبیات جهان پیوند برقرار می‌کند و از آنها اثر می‌پذیرد و یا بر آنها اثر می‌گذارد. بررسی و پژوهش این تائثیر و تائثرها و داد و ستدهای فکری و ادبی میان ملت‌ها و تلاش در جهت یافتن علائق و پیوندهای تاریخی میان آثار ادبی جهان، موضوع ادبیات تطبیقی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، محور پژوهش در ادبیات تطبیقی تبیین جریانهای ادبی جهان و رابطه ملی و میهنی با آنها و استمرار این رابطه از طریق اثرگذاری و اثرپذیری است.

کتاب *الادب المقارن* با اینکه بیش از ۴۰ سال از نخستین چاپ آن می‌گذرد؛ دارای ارزش و اهمیت فراوان است و هنوز مطالبش تازگی دارد. آگاهی گسترده مؤلف بر منابع گوناگون و تسلط وی به انواع ادبی شعر، نثر، نمایشنامه، داستان‌نویسی، حماسه‌سرایی و مکتبهای ادبی و بیان مطلب با دقت و بی‌طرفی عادلانه، ستایش‌ناقدان و پژوهندگان را برانگیخته است. همچنین نثر شیوای مترجم و توضیحات و تعلیقات عالمانه‌ی وی که خود می‌تواند اثری مستقل بشمار آید؛ در خور تحسین است.

۲. تفسیر سواطع الالهام^۲

سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملک العلام، ابوالفیض الفیضی الناکوری (م: ۱۰۰۴ ق)، مقدمه و تصحیح: سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی (۶ جلد)، تهران، ۱۳۵۷ ش.

تلاش برای فهم مقاصد قرآن و شکافتن جوانب گوناگون آن، عرصه‌های مختلف را در برمی‌گیرد: تفسیر آیات، شناخت علوم قرآن، ادبیات قرآن و آنچه به سبک بیانی قرآن مربوط می‌گردد و جز آن. در این میان، دسته‌ای از دانشمندان شیفته قرآن بر آن

شده‌اند تا با آفرینش آثاری هنری در پیرامون قرآن، ضمن ارضای حس هنری خویش، دیدگان را به این کتاب آسمانی خیره کنند و از این رهگذر به آستان پر عظمت قرآن خدمت گزارند. یکی از این نمونه‌های تحسین برانگیز و ستودنی، آثاری است بسیار محدود که با بهره گرفتن از کلمات بی‌نقطه (مهمله) به تفسیر و تبیین کلام الهی پرداخته است.

تفسیر سواطع الالهام از جمله همین نمونه‌هاست که مؤلف آن شیخ ابوالفیض فیضی ناکوری (م: ۱۰۰۴ ق) بر سبک و سیاقی خاص به تبیین و تفسیر مجموعه سوره‌های قرآن همت گمارده است. کار او در جای خود خیره‌کننده و در خور تحسین است و نشانه قدرت و توان شگرف او در شناخت لغت و ادبیات. اما ناگفته پیداست که پرده برگرفتن از معانی آیات قرآن به این شیوه، کاری است بس دشوار که شاید چندان واقعی به مقصود نباشد.

با این همه، سواطع الالهام ویژگیهای درخور توجهی نیز دارد که از جهاتی با تفاسیر «معجمه» پهلوی می‌زند. مؤلف در جای جای این تفسیر سعی کرده است عناصر مقوم تفسیری را در کتاب خود وارد کند تا از این رهگذر بر جنبه تفسیری آن بیفزاید. نخستین صفت برجسته سواطع الالهام همان به کارگیری صرف حروف مهمله است، اما می‌توان خصوصیات جالب دیگری نیز در آن یافت که یکی از آنها ارائه تصویری کلی و مجموعی از مطالب کل یک سوره، پیش از ورود به مباحث تفسیری است. کار مفسر از این جنبه، حائز اهمیت فراوان است. نزول تدریجی آیات و مخفی ماندن وجه ارتباطی صدر و ذیل پاره‌ای آیات، مانند: «آیه ۳ سوره نساء - آیه ۳۳ سوره احزاب - آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده و...» و نیز حذفها و ایصالها در متن قرآن و عوامل دیگری از این دست که در جای خود قابل مطالعه و بررسی است، باعث شده که برخی از دانشمندان مسلمان و عمدتاً مستشرقان گمان برند که نظم و نسقی در سوره‌های قرآن وجود ندارد و در هر سوره از هر دری سخن رفته است. این پندار از همان دوران حیات پیامبر اکرم (ص) وجود داشته است. «سلام بن مشکم» با عده‌ای از یهود نزد رسول خدا (ص) آمدند و گفتند: ما چگونه از تو پیروی کنیم و کتابی را که آورده‌ای به ترتیب تورات و به روش آن، یعنی متناسق و باب‌بندی شده، نمی‌بینیم. (محمد باقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات، ۵۱۱؛ نیز بهاء‌الدین خرمشاهی، قرآن پژوهی، ۹) و از همان آغاز نیز دانشمندان مسلمان کوشیده‌اند به این اشکال و پندار پاسخ دهند و با ارائه طرحی نظام‌مند از هر سوره و توضیح وجوه مخفی، ارتباط صدر و ذیل آن گونه آیات به ظاهر ناهمگون را آشکار

نمایند. تلاشهای شیخ طبرسی در مجمع البیان، فخر رازی در التفسیر الکبیر، سعید حوی در الأساس فی المیزان، علامه طباطبایی در المیزان و... در این زمینه یادکردنی است.

ابوالفیض فیضی نیز در تفسیر بی نقطه خود با برداشتن گامی در این جهت، کاری ارزشمند به انجام رسانده است. سواطع الالهام او تفسیری است مزجی، یعنی به طرح مطالب تفسیری در لابه لای آیات پرداخته است و از این نظر به شرح الفاظ و تعابیر قرآنی توجه ویژه‌ای مبذول داشته است. گاه نیز به یادکرد وجوه قرائت آیات

پرداخته و از اختلاف قاریان بزرگ یاد کرده است. مثلاً در کلیه موارد استعمال «اعن» در سوره «جن» می‌گوید: «و رَوَّه مکسوراً.» یا در مورد «الم» سوره بقره می‌نویسد: «و ما حر که عاصم و رَوَّه مکسور الأمد.» بیان مدنی بودن سوره‌ها نیز بدین صورت آمده است: «مَوْرَدُهَا مِصْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.» در سواطع الالهام همچنین از حروف مقطعه با عنوان «سرالله مع محمد(ص) رسوله و ودوده» سخن رفته است.

«ابوالفیض فیضی» چنان که مرحوم آقابزرگ در الذریعه (۲۴۰/۱۲) و محسن الامین (۳۹۹/۲) یادآور شده‌اند دانشمندی شیعی مذهب

است. از این گذشته، نشانه‌هایی از گرایش مذهبی مفسر در متن تفسیر به چشم می‌خورد. مثلاً در تفسیر آیه مبارک «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء) / ۸۱ نوشته است: «و ما هو مدلوله... الأعلام الرسول (صلعم) و الامام المعصوم.» یا درباره «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» (انسان) / ۷ می‌نویسد: «لَهُ وَ أَدَاؤُهُ، أُرْسِلَهُ اللَّهُ لِمَدْحِ أَسَدِ اللَّهِ الْكَرَّارِ [= عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)] وَ عَرْسِهِ.»

افزون بر سواطع الالهام می‌توان از چند تفسیر بی نقطه یاد کرد، از آن جمله است: تفسیر علی بن قطب الدین بهبهانی (م: ۱۲۰۶ ق) در سه جلد که اصل آن در نجف اشرف و در کتابخانه «شیخ محمد سماوی» موجود بوده است. مؤلف این اثر با مرحوم وحید بهبهانی (ره) معاصر است و از شاگردان او محسوب می‌گردد. هم اکنون نیز تصویری از آن اثر تفسیری در مقبره آن دانشمند فرزانه در شهرستان بهبهان وجود دارد. (نک: جزوه‌ای چند

صفحه‌ای در معرفی این اثر به نام: ستاره بی فروغ)

علاوه بر این، تفسیر در الأسرار، تألیف سید محمود افندی (حمازوی، م: ۱۳۰۵ ق) با تحقیق ابراهیم بن علی الاحدب طرابلسی، یادکردنی است. نسخه‌ای از این تفسیر بی نقطه اکنون در کتابخانه مرکز نشر فرهنگ و معارف قرآن در شهرستان قم موجود است. سید محمود افندی کار نگرش و تدوین در الأسرار را در تاریخ ۱۲۷۴ ق به پایان برده است.

در الأسرار تفسیری است مختصر در ۲ جلد (مجموعاً ۵۱۷ ص)

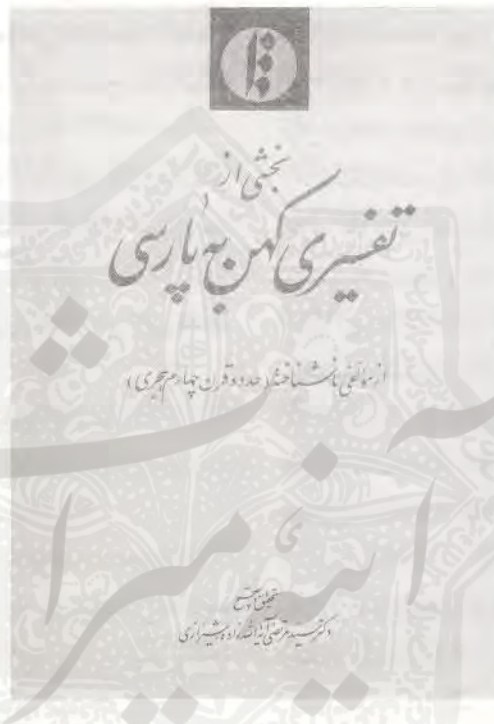
که در مقابله سریعی که با تفسیر سواطع الالهام (اوایل سوره‌های بقره و آل عمران و سراسر سوره محمد(ص)) به عمل آمد، چندان به هم شبیه نیست.

در هر صورت، جای بسی خوشبختی است که سواطع الالهام که در حدود یک قرن پیش به همراه معجم الفاظ آن در ۸۸۰ صفحه در قطع رحلی در هند چاپ شده بوده است، و اخیراً به همت و تلاش و تصحیح دانشمند ارجمند مرحوم جناب آقای دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، در هیأتی

آراسته منتشر شد. استاد در مقدمه‌ای نسبتاً مفصل که بر این کتاب افزوده است، در ضمن سه ساطعه (به سبک سواطع تفسیری اصل کتاب) نخست از وضع سیاسی - اجتماعی و فرهنگی هند در روزگار مؤلف، گفتگو و آن گاه از خاندان و شرح حال وی سخن گفته و در نهایت از شیوه کار تصحیح یاد کرده است. استاد همچنین در ذیل سواطع الالهام به چاپ متن تفسیر سید عبداللہ شبر (م: ۱۲۴۲ ق) اقدام نموده است. نیز در پایان هر جلد فهرستی از لغات غریب به کار رفته در متن ارائه شده است.

۳. نظام حکومت و مدیریت در اسلام

محمد مهدی شمس الدین، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه و تحشیه: سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.



اصل عربی کتاب نخستین بار در سال ۱۹۵۴م در بیروت چاپ و منتشر شده است. آنگاه پس از گذشت حدود ۳۶ سال، چاپ دوم آن که مبنای ترجمه کتاب به فارسی نیز قرار گرفته، مجدداً با افزایشهایی منتشر شده است. مترجم محترم کتاب علاوه بر زحمات توانفرسایی که در ترجمه متحمل شده است، در موضعی چند در ضمن پانوشتهایی کوتاه و بلند به طرح نظر خود و پاره‌ای دیگر از دانشمندان می‌پردازد و به این وسیله بر غنای مباحث می‌افزاید.

۴. بخشی از تفسیری کهن به پارسی از مؤلفی ناشناخته^۱

بخشی از تفسیری کهن به پارسی، از مؤلفی ناشناخته، احتمالاً مربوط به نیمه نخست سده ۴ ق، تحقیق و تصحیح دکتر سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، ۱ جلد، تهران، ۱۳۷۵).

با گسترش اسلام به دیگر سرزمینها و پذیرش دیگر ملت‌های بیگانه، نیاز به فهم کلام الهی بیشتر احساس گردید. همین امر شیفتگان و عالمان آگاه به زبان قرآن را بر آن داشت تا آثاری گرانسنگ در جهت تبیین و تفسیر کلام الهی، به آستان قرآن تقدیم دارند.

از جمله این آثار به زبان فارسی، تفسیری است بر جای مانده از سده‌های نخستین هجری که به اهتمام مرحوم دکتر سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، قرآن پژوه معاصر تصحیح شد.

مصحح ارجمند در مقدمه کتاب و نیز در مقاله‌ای به سرگذشت و چگونگی دسترسی به نسخه خطی و توصیف آن، مطالبی مشروح عرضه داشته است (تفسیری کهن به زبان فارسی، ص چهار و پنج؛ مقالات و بررسیها، ش ۴۳ - ۴۴، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۸۱ - ۲۱۳).

تنها نسخه‌ای که مصحح به آن دسترسی یافته، آغاز و انجام آن افتاده و نامی از مؤلف و نیز تاریخ تألیف و کتابت در آن نیامده است. از این رو باتعیین عصر مؤلف و معرفی وی بسیار دشوار می‌نماید.

با نگرشی به سبک نگارش کتاب و همسانی آن با آثار منثور سده‌های سوم و چهارم هجری و مقایسه‌ای گذرا با متون کهن ترجمه و تفسیر قرآن کریم مانند ترجمه‌ای آهنگین از دو جزء قرآن کریم، (به اهتمام و تصحیح دکتر احمدعلی رجایی)، تفسیری در عشری از قرآن مجید (نسخه موزه بریتانیا)، تفسیر قرآن مجید (نسخه کمبریج، تصحیح دکتر جلال متینی)، تفسیر دسفی، تفسیر سوراآبادی و جز اینها می‌توان احتمال داد که مؤلف در اواخر قرن سوم و نیمه نخست سده چهارم هجری می‌زیسته است (مقدمه، ص شش، بیست و هفت - بیست و نه) و با توجه به

گونه‌های زبانی منطقه خراسان و تأثیر آن در نثر کتاب، می‌توان حدس زد که مفسر در حوزه هرات زندگی می‌کرده است (ص هفت) و با یادکرد مصنف از ابوبکر صدیق و ابوبکر (ص ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۶۱، ۶۲، ۹۹) و عمر بن خطاب (ص ۴۵، ۹۹) و عثمان بن عفان (ص ۲۱، ۴۴) و علی بن ابی طالب (ص ۲۱، ۲۸، ۴۴، ۴۵، ۱۸۶، ۲۲۶) و عائشه (ص ۱۵۹، ۲۵۱) و فروگذاری ذکر ائمه شیعه - علیهم السلام - و استناد قرائت بر اصول قرآن اهل سنت به احتمال زیاد می‌توان گفت که حنفی مذهب بوده است.

در نسخه موجود، کلامی الهی از آیه ۱۷۶ «... و لَکِنَّهُ اُخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ». از سوره مبارکه اعراف تا آیه ۶۹ سوره نحل (به ترتیب قرآن موجود) تفسیر شده است (ص ۱ - ۲۹۰).

سبک تفسیری کتاب، «مزجی» است و پس از اتمام هر آیه یا کلام، علامتی به شکل دایره (o) قرار دارد. در آغاز هر سوره، نخست نام سوره، و چنانچه سوره به نام یکی از پیامبران باشد، به دنبال آن عبارت «علیه السلام» آمده است. آنگاه «بسم الله الرحمن الرحیم» و تفسیر آیات بیان شده است. دو سه دوره افتادگی‌هایی دارد که بخش عمده آن به اول سوره انفال مربوط می‌شود. در این موارد مصحح برای تکمیل مطالب، از نوبت اول کشف الاسرار میبیدی استفاده کرده است (ص چهار و پنج).

جایگاه کتاب در میان تفسیرهای مترجم، در ردیف تفسیرهای ادبی و لغوی است. فراوانی شواهد منظوم و منثور و عنایت به اشتقاقهای لغوی گواه این مدعا است. همچنین به شاعران نزول آیات و رویدادهای زمان نبوت توجه شده و به وقایع مربوط به آیات، اشاراتی یافت می‌شود و چنانچه حکم آیه‌ای منسوخ گردیده، به مورد نسخ اشاره رفته است. قرائتهای کتاب غالباً بر اصول قرآن اهل سنت است و گاهی به اصحاب آنها مانند ابوعمر و یعقوب، ابن کثیر، خفاف، یعقوب خضرمی، کسایی، حمزه، بزّی... نسبت یافته است. در بیان و توضیح واژگان قرآن به اشعار سرایندگان عرب جاهلی و مخضرم و اسلامی و مولد استشهاد شده است. نیز از احادیث رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و اقوال بزرگان چون عبدالله بن عباس و... شواهدی وجود دارد. ناگفته نماند که در سرتاسر این اثر حتی یک بیت فارسی دیده نمی‌شود (ص بیست و یک - بیست و شش).

سبک نگارش این اثر نفیس فارسی، همسانی بسیاری با آثار منثور قرن سوم و چهارم هجری دارد. استواری واژگان و زیبایی و رسایی معانی در آن به خوبی نمایان است و با گزینش بسیار

و تعریف آن، دفتر ۳۹ - ۳۸، سال ۱۴۰۳ ق/ ۱۳۶۲ ش، صص ۸۶ - ۱۰۴

آیت‌الله‌زاده شیرازی، سید مرتضی، التفکیر المنهجی اللغوی والزمخشری، دفتر ۲۴ - ۲۳، سال ۱۳۹۶/ ۲۵۳۵، صص ۳۲ - ۱۵

آیت‌الله‌زاده شیرازی، سید مرتضی، بررسی در منابع عمده تفسیر کشاف، دفتر ۲۶ - ۲۵، سال ۱۳۹۶/ ۲۵۳۵، صص ۲۳۸ - ۲۲۴

آیت‌الله‌زاده شیرازی، سید مرتضی، تحقیق در روابط امرای حیره با قبایل عرب، دفتر ۳۳ - ۳۲، سال ۱۳۵۸ ش، صص ۱۶۱ - ۱۳۵

آیت‌الله‌زاده شیرازی، سید مرتضی، تحقیقی در انساب عرب، دفتر ۱۲ - ۹، سال ۱۳۵۱ ش، صص ۱۰۸ - ۶۳

آیت‌الله‌زاده شیرازی، سید مرتضی، تفسیری کهن به زبان فارسی، دفتر ۴۴ - ۴۳، سال ۱۳۶۶ - ۶۷ ش، صص ۲۱۳ - ۱۸۱

آیت‌الله‌زاده شیرازی، سید مرتضی، لهجه‌ها و گویش‌های بلاد اسلامی به روایت المقدسی، دفتر ۴۶ - ۴۵، سال ۱۳۶۷ - ۶۸ ش، صص ۱۷۱ - ۱۵۱

*

پی‌نوشت‌ها:

۱. نوشته عنایت‌الله فاتحی نژاد، مدرس دانشکده الهیات دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲. نوشته عبدالهادی فقهی زاده عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
۳. نوشته عبدالهادی فقهی زاده، عضو هیأت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه تهران.
۴. نوشته ابراهیم اقبال، عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

استادانه، مفاهیم والا به زبان فارسی نقل شده است. مؤلف با بیانی هنرمندانه و به دور از تکلف و تصنع، بسان سوارکاری چابک بر مرکبی راهوار، خواننده را آرام و آسان از پستیها و بلندیهای زبان می‌گذراند.

تأثیر گویش خراسان بزرگ از دیگر ویژگیهای این اثر است. نمونه‌هایی از آن یادکردنی است. گفتند = گفتند، من = من، کور = کبر، بم = باشم، بیم = باشیم، ته = تو، نه بیا = نباشی، نویشت = نوشت، کوم راه = گمراه، هام سازان، هام دلان، ... (ص هفت و هشت).

رسم الخط کتاب مانند سایر کتابهای سده‌های اولیه هجری در ایران به فارسی است، از آن جمله: «پ» و «چ» غالباً با یک نقطه، نطقه روی «د»، نوشتن «گ» به شکل «ک»: تبدیل «ب» به «و»: کوران - گبران و یا به «ف»: زفان = زبان؛ تبدیل «ش» به «ژ»: دژوار = دشوار؛ حذف «و» در فعل: نشند = نشنود، شند = شنود... (ص هفت و هشت).

دیگر نکات دستوری و واژه‌های کهن که مصحح در مقدمه آورده است درخور توجه می‌باشد (ص هشت - نوزده).

اهمیت این تفسیر به لحاظ احتوا بر زبان فارسی واژگان بسیار کهن آن است که در هیچیک از تفاسیر قدیمی قرآن وجود ندارد و سبک و آهنگ گوش‌نواز مفردات و ترکیبات بر جذابیت و اهمیت آن افزوده است.

مقدمه علمی دکتر علی رواقی متخصص زبان و ادبیات فارسی و شرح برابره‌های قرآنی و واژه‌ها و ترکیبات دشوار این اثر، ارزش این کتاب را دوچندان کرده است. در خاتمه کتاب، فهاری از احادیث، اشعار، اعلام و نیز نمونه‌هایی از واژه‌ها و برابره‌های فارسی قرآنی و تفسیری و بالعکس فراهم آمده است (ص ۲۹۱ - ۳۴۴).

برخی مقالات استاد

مقالات و بررسیها، دفتر ۶۲، زمستان ۷۶.

آیت‌الله‌زاده شیرازی، سید مرتضی، ادبیات تطبیقی: موضوع

MirasMaktoob@apadana.com